



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

د دختران

و

دوستی‌ها



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دختران و دوستی ها

نویسنده:

محمد رضا شرفی

ناشر چاپی:

جمال

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	دختران و دوستی ها
۶	مشخصات کتاب
۶	علل و عوامل دوستیهای افراطی در دوران نوجوانی
۱۲	نیاز به یک دوست
۱۴	دختران و ارتباط با جنس مخالف
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

دختران و دوستی ها

مشخصات کتاب

سرشناسه: شرفی، محمد رضا، ۱۳۳۴-، گردآورنده عنوان و نام پدیدآور: دختران و دوستی ها/ محمد رضا شرفی. مشخصات نشر: قم نشر جمال ۱۳۷۸. مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص. یادداشت: چاپ قبلی انتشارات روحانی ۱۳۷۸. یادداشت: چاپ سوم: زمستان ۱۳۷۸. یادداشت: چاپ پنجم ۱۳۷۹. یادداشت: چاپ هفتم ۱۳۸۰. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: داستان‌های اخلاقی -- مجموعه‌ها موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها موضوع: دختران -- ایران -- داستان رده بندی کنگره: ۵/۲۴۹/۵BP ک/۳۴۴ ۱۳۷۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۸ [ج]

علل و عوامل دوستیهای افراطی در دوران نوجوانی

با شرمندگی باید بگویم که مدتی است عاشق خانم دبیر ادبیاتمان شده ام. او آنقدر با شخصیت، متین و آراسته است که حتی هنگام درس، حواسم بیشتر به اوست تا به درسی که می دهد. خودم در زندگی، کمبودهای زیادی داشته ام. در واقع باید بگویم طعم شیرین محبت را در محیط خانواده نچشیده ام. اولین بار که خانم دبیر با محبت بسیار از من درس پرسید و دست نوازشگرش را بر سرم کشید، آنچنان مجذوبش شدم که هنوز علتش را نمی دانم و این علاقه روز به روز بیشتر شده است. گاهی که فکر می کنم، ممکن است روزی او را نبینم، انگار دنیا برایم به آخر می رسد. تنها امید من شما هستید. بگوئید چه کنم. (۱) دوستیهای افراطی دوستی نوع سوم بین نوجوان و یک شخص کامل به وجود می آید. نقش شخص کامل را ممکن است یکی از دوستان محیط خانوادگی، بستگان و افراد کوچک و یا محل ایفا کنند و یا علاقه نوجوان، یکی از معلمان، دبیران و یا مربیان را هدف قرار دهد. مقدمه ی این دوستی ممکن است جاذبیت فرد کامل، ویژگیهای شخصیتی و یا پاره ای از صفات اخلاقی او باشد. در هر حال ماهیت این نوع رابطه در ابتدا دوستانه، پاک و بی شائبه است، ولی امکان آلوده شدن آن به مسایل دیگر وجود دارد. زمانی که این علاقه به اوج خود می رسد، نوجوان و فرد کامل هر دو حالت سرگردانی قرار می گیرند و مصرانه می خواهند بدانند که اکنون چه باید کرد؟ و ادامه این روابط و یا قطع آن، کدام به مصلحت نزدیکتر است؟ باید توجه داشت که این نوع گرایشهای افراطی توأم با احساسات در نوجوانان دختر بیشتر مشاهده می شود و متأسفانه تعداد دختران نوجوانی که در نامه هایشان به این موضوع صریحاً و یا تلویحاً اعتراف نموده اند، کم نیست و بعضاً اگر یک روز معلم و یا مربی خود را نبینند دچار احساسی تلخ همراه با ناامیدی و ناکامی می شوند و گریه می کنند. در یک مورد دختر نوجوانی در نامه ای خطاب به یکی از مربیان مدرسه نوشته بود: اگر روزی برسد که شما را نبینم و از شما جدا شوم، خود را خواهم کشت و از این رنج خود را خلاص خواهم نمود. بهترین شیوه برای حل این مسئله این است که ابتدا توجه داشته باشیم به علل شکل گیری این نوع دوستیها و به ویژه نحوه ی شدت گرفتن آنها و پس از آن به شیوه های برخورد با این کیفیت بپردازیم. علل دوستیهای افراطی در مورد علل بروز این نوع دوستیهای افراطی می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- مجرد بودن فرد کامل (بزرگتر): فردی که هدف علائق افراطی نوجوان قرار می گیرد، در غالب موارد مجرد است و به هردلیل هنوز تشکیل خانواده نداده است. اگر بپذیریم که ازدواج نوعی پختگی روحی در انسان به وجود می آورد و مضافاً به نیازهای غریزی و روانی انسان پاسخ مثبت می دهد، در نتیجه کمبود این ویژگیها نزد افراد مجرد به صورت زمینه ی مساعدی بروز می کند و آنها را مستعد جذب نوجوانان در جهت مسایل خاص و افراطی می کند. در اینجا یادآوری این مطلب ضروری است که بیشتر کسانی که از ازدواج سر باز می زنند، به مرور زمان در انتخاب همسر، مشکل پسندتر و سختگیرتر می شوند و با بالا رفتن سن، ازدواج آنها نیز بیش از پیش به تأخیر و تعویق می افتد. لذا با تشویق و ترغیب افراد کاملی که حاضر به ازدواج

نیستند و ایجاد تسهیلات لازم در جهت تشکیل خانواده برایشان، می توان سلامت اخلاقی جامعه را تضمین کرد و با توصیف واقعیتهای ملموس زندگی، آنها را از سختگیری و اعمال سلیقه ها و معیارهای خیلی دشوار و استانداردهای جاه طلبانه برحذر داشت. بی مناسبت نیست که در اینجا به پاره ای از علل سختگیری و مشکل پسندی در امر ازدواج، به تأخیر انداختن آن و یا فرار از این سنت الهی، اشاره ای هر چند گذرا، داشته باشیم: ۱:۱- وجود الگوهای نامناسب در امر تشکیل خانواده و ازدواج: به عنوان مثال پدران و مادرانی که از ازدواج خود راضی نیستند، نباید پیوسته این امر را به فرزندان خود منتقل کنند و آنها را در جریان یک تجربه ی تلخ خانوادگی و ماجرای یک ازدواج ناموفق قرار دهند و دایقه ی ایشان را برای همیشه نسبت به این موضوع مهم و سرنوشت ساز، بدبین، خدشه دار و گریزان سازند. ۱:۲- وجود مقررات سنگین دست و پاگیر ازدواج و اعمال شرایط سخت برای این مرحله از زندگی، جوانان را دلسرد و مأیوس می کند و در آنها نوعی بی رغبتی نسبت به ازدواج به وجود می آورد. ۱:۳- آموزشهای غلط و نامناسبی که پسران و دختران در خصوص ازدواج از همسالان خود و یا برخی از رفقای غیرموجه و مشکوک کسب می کنند، آنها را نسبت به این مهم، نگران و مضطرب و بعضاً متوحش می سازد. ۱:۴- والدین ایده آل گرا: برخی از خانواده ها به دلیل اعمال مقررات دشوار و برقراری انضباط شدید، فرزندان تربیت می کنند که آنها هم به نوبه ی خود سختگیر و غیرقابل انعطافند و کوچکترین گذشت و اغماضی نسبت به دیگران، به ویژه کسی که می خواهد شریک زندگی آنها شود، روا نمی دارند. از این رو، فرزندان وقتی به سن ازدواج می رسند، کسی را نمی یابند که از معیارهای بسیار سخت گزینش آنها، با موفقیت عبور کند و لیاقت ازدواج با آنها را داشته باشد. ۱:۵- والدین و وابستگی عاطفی: پاره ای از پدران و مادران تک فرزندی، تمامی آرزوها و علائق خود را در وجود او متمرکز می کنند. حتی محرومیتهای گذشته ی زندگی خود را هم می خواهند به وسیله ی این فرزند جبران کنند و چون این فرزند کانون تمامی عواطف و احساسات پدر و مادر می شود، از این رو یا در جستجوی فردی واجد تمام شرایط برای فرزند خود هستند و یا به او تفهیم می کنند که اگر ازدواج کند، دل آنها را برای همیشه می شکند ایشان را در تنهایی یأس آور و کشنده ای باقی خواهد گذاشت. این والدین گرچه صریحاً معترف نیستند که به فرزند خود از حیث عاطفی وابسته اند ولی رفتارشان مؤید این مطلب است که تحت هیچ شرایطی، حاضر به جدا شدن از فرزند خود نیستند. لذا فرزند هم در می یابد که برای جلب رضایت آنها باید از ازدواج صرف نظر کند شایان ذکر است که تنها خانواده های تک فرزندی نیستند که این گونه عمل می کنند، بلکه خانواده های چند فرزندی هم هستند که این معادله رفتاری را با اولین و یا آخرین فرزند خویش به وجود می آورند.

۲- کمبود و خلأ عاطفی: یکی دیگر از علل گرایشهای عاطفی، کمبود توجهات و احساسات مثبت از سوی خانواده یا اطرافیان است. بر اثر تجربه و تحقیق، معلوم شده است که بیشتر نوجوانانی که به دام ارتباطها و کششهای افراطی افتاده اند، دچار خلأ عاطفی از جانب یکی از اولیای خود و یا هر دوی آنان بوده اند. البته این عامل منحصر به نوجوان و کمبودهای او نمی شود، بلکه شامل فرد کامل هم می شود. چنانچه شخص کامل نیز دارای تجارب عاطفی نامناسب و آزاردهنده ای باشد، به طور منطقی می تواند عامل تشکیل محور دوستیهای افراطی قرار گیرد، حتی در مواردی تأثیر این عامل، بیشتر از آثار کمبودهای عاطفی نوجوان است. دستگاه روانی انسان به گونه ای است که اگر از حیث عاطفی مورد تهدید واقع شود، کمبود عاطفی خود را در هر جا و به وسیله ی هر کس جستجو و او را به عنوان تکیه گاه برای خود انتخاب می کند. جستجوی تکیه گاههای عاطفی از این حیث، داری اهمیت است که فرد را از فروپاشی شخصیتی محافظت می کند و در برابر تهدیدهای محیطی پناه می دهد. حضور همزمان دو عامل، یعنی کمبودهای عاطفی نوجوان و شخص کامل، وضعیت را تشدید می نماید و منجر به دوستی افراطی تنگاتنگ میان آن دو می شود. در دوران بلوغ، مریبان و خانواده ها، از حیث عاطفی مراقب باشند که نوجوان، ضربه های عاطفی سنگین دریافت نکند. چرا که جبران آن مشکل و در مواردی غیر قابل جبران (برگشت) خواهد بود، لذا اگر با نوجوانی این چنین برخوردی داشته اند، سعی نمایند ضمن برقراری روابط سالم و سازنده، او را از این حیث تأمین و تغذیه کنند تا راه برای نفوذ انحرافات عمیقتر، مسدود گردد. ۳-

طبیعت دوران بلوغ: علاوه بر جنبه های یاد شده، ماهیت بلوغ و احساسات نیرومند و رؤیاهای دور و دراز، عامل مؤثری در تکوین دوستیهای افراطی است. قبلاً اشاره کردیم که عواطف در دوران بلوغ غنی تر و سرشارتر از دوره های دیگر زندگی است و نوجوانان با احساسات و عواطف سنیگن، آمادگی و استعداد کامل دارد تا یکی از نقشهای دوگانه را در ارتباط با دیگری بر عهده گیرد. متأسفانه در این دوران، تعادل موجود بین احساسات و اندیشه های منطقی نوجوانان بر هم می خورد و کفه ی احساسات سنگینی می کند و عقل را تحت تأثیر قرار می دهد. در چنین موقعیتی آنچه بر فرد حاکم است و در تصمیم گیریها دخالت می کند، عواطف قدرتمند وی می باشد. نوجوان به گونه ای دچار عدم تعادل عاطفی و هیجانی است که در موقع خشم و یا خوشحالی زیاد، نمی تواند رفتار ظاهری خود را تحت کنترل قرار دهد و آن غالباً با فریاد و جنبش بدنی زیاد، همراه است. به همین دلیل، این قبیل دوستیهای افراطی نیز، زمانی محدود و مشخص دارد؛ به نحوی که شروع آن، حوالی ۱۲ و ۱۳ سالگی و دوام آن حداکثر با ۱۸ سالگی است. پس از آن، احساسات فرو می نشیند و به اصطلاح «تصفیه» می گردد. البته در مواردی معدود، پس از ۱۸ سالگی نیز، این عوارض مشاهده شده است. متنها این موارد نسبت به دوره ی سنی ذکر شده ی بالا، کمتر و محدودتر است. ۴- محیطهای شبانه روزی: وجود محیطهای شبانه روزی از قبیل پانسیونها، دانشسراها، مراکز تربیت معلم و خوابگاههای دانشجویی، زمینه های مساعدی برای تشکیل این دوستیهای افراطی است. معمولاً این گونه محیطها از یک سو، متضمن قطع روابط و پیوندهای عاطفی فرد با خانواده اوست و از دیگر سو، ارتباط تنگاتنگ خاصی بین نوجوان و مربیان و سرپرستان و معلمان به وجود می آورد. از هم گسیختگی پیوندهای عاطفی خانواده فرد را آسیب پذیر می سازد و او را وادار می کند که به هر کس رو بیاورد. قرار گرفتن در حلقه های ارتباطی نزدیک و مداوم و طولانی با مربیان و مسئولان محیطهای شبانه روزی، ضربه ی آخر را از حیث عاطفی به فرد وارد می کند و او را در جرگه ی این کششها قرار می دهد. ۵- شخصیت زدگی: پاره ای از نوجوانان به لحاظ کمبودهای شخصیتی در خانواده، در وضع خاصی قرار می گیرند. تحقیرها، سرزنشها و انتقادهای شدید و مداوم، هسته ی اصلی شخصیت آنها را مورد تهدید و اضمحلال قرار می دهد. این نوجوانان به تدریج فاصله ی خود را با والدین بیشتر می کنند و حتی سعی دارند که همانند سازی با والدین نداشته باشند و برخلاف شخصیت والدین، شخصیتی متفاوت و دلخواه برای خود، دست و پا کنند که البته روی بر تافتن از خانواده باعث می شود که نوجوان الگوهای خارج از محیط خانواده برای خود جستجو و انتخاب نماید. در چنین صورتی است که هر صفت و ویژگی خوب شخصیتی، می تواند آنان را مجذوب نماید و به این تعلقات دامن زند و در نتیجه آنها را تحت تأثیر قرار دهد. لذا کافی است که محبوب (دوست بزرگ) از یک جنبه، شخصیتی ممتاز باشد تا بتواند دلهای نوجوانان مورد اشاره را زیر نفوذ بگیرد. ۶- عشق به زیبایی: انسان فطرتاً زیباپسند و زیباگراست و مجذوب زیباییها و جلوه های آن در زندگی است. گرایش طبیعی انسان به زیباییها در دوران بلوغ، به صورت عشق به زیبایی در می آید. به ویژه نوجوانانی که از طبایع حساس و ظریف برخوردارند، در معرض تأثیرپذیری بیشتری قرار می گیرند و بعضاً آنچه را که در رؤیاهای خویش می پروراندند، اینک در شخصیت معلم و یا مربی خویش مشاهده می کنند. از این رو صرف نظر از سایر عواملی که بیان شد، این عامل نیز به خودی خود، می تواند در شکل گیری این نوع دوستیها مؤثر باشد. در این حالت، مقدمه ی این دوستیها پاک است و آلودگی در آن راه ندارد. ولی عواقب بعدی قابل پیش بینی نیست و در صورت گسترش و توسعه، امکان نفوذ انحرافات اخلاقی در آن وجود دارد. ۷- توجه بیش از حد به نوجوان: برخی از نوجوانان و دانش آموزان به دلایلی از قبیل زیبایی ظاهری، جذابیت، خوش بیان بودن و یا وضعیت آراسته و در سطح خوب بودن، مورد توجه خاص و دقیق برخی از معلمان و دبیران خود قرار می گیرند، به ویژه اگر در صحنه های فعالیتها، مدرسه درخششی چشمگیر هم از خود نشان دهند که این مسئله به طور مضاعف ایجاد کشش می کند. به نظر من اگر دختری، پسری را دوست داشته باشد، بد است ولی بدتر از آن این است که دختری عاشق دختر دیگری شود. در این صورت طرفی که مورد عشق قرار می گیرد چه باید بکند؟ (۲) با دوستیهای افراطی چگونه برخورد کنیم؟ اینک به پاره ای از توصیه ها برای برخورد با

مسئله‌ی دوستیهای افراطی اشاره می‌کنیم: ۱- اولین توصیه به دوست بزرگتر، بخصوص اگر مؤنث باشد، این است که خود را پاک و منزله نگه دارد و دامن خود را از هرگونه آلودگی احتمالی، حفظ کند. شایان ذکر است که از دوست بزرگتر انتظار خویشتن‌داری و کفّ نفس بیشتری می‌رود تا از نوجوان گرفتار بحران بلوغ که در شرایط تحریک‌کننده‌ی قرار دارد. ۲- به شیوه‌ی صحیح و توصیه‌ی آن به دوست بزرگتر این که اگر مجرد است در اولین فرصت ممکن اقدام به ازدواج نماید و گریبان خود را از مشکلات اخلاقی و روحی ناشی از دوران مجرد که دامنگیر مجردها می‌شود، برهاند و به آرامش روحی توأم با حفظ عفاف و ایمان دست یابد. ۳- به نوجوان نیز توصیه می‌شود که پاکی و تقوا را پیشه کند. چه اگر متوجه ندای معنویت و ارزشهای اخلاقی باشد (که از درون او برمی‌خیزد) و به عظمت معنویت و پاکی دوران بلوغ آگاهی یابد، خود را آلوده به این مسایل نمی‌نماید. باید به نوجوانان تلقین کنیم که در دوران بسیار مهم از زندگی خود قرار دارند و ارزش و منزلت آن را به خوبی درک کنند و به این فصل مهم و درخشان زندگی را ارج نهند و این ممکن نیست مگر با آگاهی بخشیدن و انتقال ارزشهای دوران بلوغ که در بهترین فرصتها از طریق گفتگوهای صمیمی خانواده و مربیان با نوجوانان فراهم می‌شود. ۴- برای نوجوانانی که در بدو ورود به دوران جوانی قرار دارند (معمولاً سالهای آخر دبیرستان) و به ویژه در خصوص دختران نوجوان یادآوری می‌شود که اگر خانواده احساس کنند دخترشان نیاز به ازدواج دارد، باید در اولین فرصت ممکن مقدمات این امر را فراهم کنند. در پاره‌ای از موارد با عقد کردن دختر و پسر، می‌توان ایجاد الفت و رابطه‌ی دوستانه به شکل مطلوب و شرعی آن نمود، آنگاه ازدواج را برای مدتی به تأخیر انداخت تا امکان ازدواج دختر و پسر فراهم شود. طبیعی است دوران عقد علاوه بر آن که نیازهای طبیعی آنان را به شکل صحیح و مطلوبی ارضا می‌کند، می‌تواند ضامن پاکی و تقوای دختر و پسر نیز باشد. لذا باید خانواده‌ها را به اهمیت ازدواجهای ضروری و پیشگیرانه آگاه نمود و از آنان به طور جدی خواست که برای حفظ سلامت فرزندان خود و جامعه تسهیلاتی برای امر ازدواج قایل شوند و از سختگیریهایی بیجا و مقررات و تشریفات دست و پاگیر و زاید که عموماً به توسعه‌ی فساد و بی‌بندوباری جامعه و جوانان منجر خواهد شد، خودداری نمایند. ۵- تعادل بخشی در توجه مربیان به نوجوانان: بدون تردید حفظ اعتدال در تمامی مراحل تدریس و یا تربیت نوجوانان، باید مورد اعتقاد دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت باشد، به ویژه کسانی که در دوران بلوغ با دختران و پسران (بالا-خص دختران) ارتباط دارند، باید این تعادل را در تمامی جنبه‌ها که حاکی از توجه و بذل عنایت مربی یا معلم است به دقت مراعات کنند و گرنه منجر به «سوگلی پروری» یک یا چند نفر از نوجوانان خواهد شد. توجه انحصاری به یک نفر، در سایرین که اکثریت کلاس یا گروه را تشکیل می‌دهند، ایجاد احساسات نامطوبعی از قبیل حسادت، حساسیت، زودرنجی، احساس وجود تبعیض و مورد بی‌مهری (مربی یا معلم) قرار گرفتن، خواهد کرد. شهید ثانی یکی از متفکران تعلیم و تربیت اسلامی، ضمن توصیه‌های دقیقی که به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت می‌کند، می‌گوید: حتی باید توجه داشت که معلم (استاد) نگاههای خویش را عادلانه بین شاگردانش توزیع نماید. (۳) طبیعی است زمانی که نگاه معلم تا این اندازه مؤثر و مورد تأکید است، اهمیت تأثیر و جایگاه گفتار و رفتار معلم تا چه اندازه می‌تواند کارساز باشد. لذا به همکاران فرهنگی باید توصیه نمود که به یک نوع بازنگری در رفتارها، برخوردها، روشهای تربیتی و شیوه‌های تدریس بپردازند تا این واریسی روانی، امکان هرگونه بازده منفی را به حداقل کاهش دهد. ۶- جایگزینی (تعویض): یکی از شیوه‌های برخورد در این زمینه، جایگزین نمودن یک رشته فعالیت‌های ذوقی، هنری، فکری و عملی است تا بتواند خلأ به وجود آمده در زمینه‌های عاطفی و رابطه‌ی نامطلوب نوجوان با دوست بزرگتر را پر کند و زمینه‌ساز شخصیت سالمی در نوجوان شود. به طور معمول نوجوانانی که به این روابط افراطی کشیده می‌شوند، در سایر زمینه‌ها و فعالیت‌های فوق برنامه‌ی مدرسه و یا خارج از مدرسه، نقشی ندارند و یا این نقش چشمگیر نیست. لذا طبیعی است که پس از ترک روابط قبلی، او را در رابطه‌ی جدید و غنی تر قرارداد تا احساس تنهایی و بی‌برنامگی نکند. امرالمؤمنین علی (ع) ضمن بیان حدیثی می‌فرماید: نفس خود را اگر مشغول نمودی، او تو را مشغول خواهد نمود. (۴) یعنی اگر برنامه‌های متنوع و سرگرم‌کننده

ای برای نوجوان وجود نداشته باشد، به طور طبیعی امکانات فراوانی جهت گرایش او به فعالیت‌های ناسالم وجود خواهد داشت و او را به سوی خود جذب خواهد کرد. در محیط‌های آموزشی، مربیان و ستادهای تربیتی با تدارک برنامه‌های ویژه‌ای برای این قبیل نوجوانان، می‌توانند آنان را در فعالیت‌های گوناگون مدرسه از قبیل مسئولیت سپاری، همکاری در اداره‌ی امور کلاس و مدرسه، مسابقات مختلف فرهنگی و هنری، برنامه‌های سرود و نمایشنامه و کارهای گروهی شرکت دهند و زمینه‌ی مناسبی برای این گونه افراد فراهم نمایند. به ویژه در خصوص دانش آموزی که ناگاه علایق شدید و افراطی خود را نسبت به مربی (معلم) و یا دانش آموز بزرگتر از دست می‌دهد و طبیعتاً دچار حالت سرخوردگی روحی و تنهایی عمیق می‌شود. ضمن آن که مربیان و کادر مدرسه به نحوی او را از تنهایی خارج می‌کنند و ارتباط‌های دوستی متعادل و جدیدی را برایش به وجود می‌آورند و او را تحت هر عنوان و به هر شکل مطلوب و ممکن در برنامه‌های مدرسه شرکت دهند تا به تدریج نوجوان خود را با وضعیت جدید تطبیق دهد و در مسیر عواطف سالم و رشید قرار گیرد. ۷- پرورش ایمان: مبانی تربیتی و اخلاقی نوجوان، تعیین کننده‌ی جهتگیری او در برخوردها و ارتباط‌های انسانی است و این خود برخاسته از کیفیت شرایط منظومه‌ی خانوادگی است. مقاومت نوجوان در قبال گرایش‌ها و کشش‌های غریز، بستگی تام به بنیه‌ی اخلاقی و ایمان وی دارد و در شیوه‌های برخورد نیز از همین نیروی مؤثر و بازدارنده می‌توان بهره جست. توصیه‌های سازنده‌ی اخلاقی، ایجاد فضای معنوی در محیط کلاس و مدرسه و آکنده نمودن اندیشه و باور نوجوان از لذت ایمان و نشئه‌ی عرفان و معنویت، همچون سدی استوار در برابر انحرافات محسوب می‌شود. چنانچه یکی از مربیان و یا اعضای ستاد تربیتی مدرسه و یا هر فرد دیگری به تشخیص ستاد تربیتی که رابطه نزدیک و مطلوبی با نوجوان دارد، از این فرصت بهره گیرد و ضمن جلب اعتماد بیشتر و تفاهم عمیقتر، یک رشته گفتگوهای اخلاقی با نوجوان برقرار نماید، در جهت تضعیف گرایش‌های افراطی و نامطلوب مؤثر خواهد بود. ۸- تهدید روابط: بعضاً این سؤال در مجامع تربیتی مطرح می‌شود که وقتی روابط تا این حد نزدیک و صمیمانه و بعضاً عاشقانه شد، چه باید کرد؟ - آیا باید روابط را به طور ناگهانی با دانش آموز قطع کرد؟ - آیا باید روابط را توسعه و تعمیق بخشید؟ - آیا باید روابط را کنترل و محدود نمود؟ به طور دقیق باید گفت که راه‌های اول و دوم، به هیچ وجه توصیه نمی‌شود. زیرا در صورت اول یعنی قطع نمودن روابط، تعادل عاطفی و روحی نوجوان بر هم می‌خورد و او را دچار آشفتگی و اضطراب می‌نماید و در وضعیت دشواری قرار می‌دهد که احتمالاً نوجوان در چنین حالتی تهدید به خودکشی و یا اقدام به خودکشی می‌نماید. راه دوم هم کاملاً روشن است که به جای حل مشکل، آن را توسعه و گسترش می‌دهد. لکن راه سوم منطقی و معقول به نظر می‌رسد. و در این حالت دوست بزرگتر با کنترل نمودن ارتباط‌هایش با نوجوان، او را به حالت تعادل سوق می‌دهد و نوعی محدودیت در روابط فیما بین برقرار می‌کند. دوست بزرگتر (مربی یا معلم یا دانش آموز بزرگتر) با این روش می‌فهماند که او فقط هدف توجه نیست، بلکه دیگران نیز در این مجموعه، به لحاظ روابط انسانی، سهمی دارند. ولی این مهم را به تدریج و با ظرافت و ملایمت انجام می‌دهد تا از فروریختن تعادل نوجوان پیشگیری کند و به صورتی گام به گام او را با واقعیتی که چندان مطلوب و جالب نیست، آشنا سازد. نوجوان در این رابطه به کسی می‌ماند که از جای تاریک و بی‌نوری که مدت‌ها در آن ساکن بوده، خارج می‌شود تا روشنایی و روز را نظاره کند. مواجه نمودن چنین فردی به طور ناگهانی با نور خورشید، شدیداً به چشمانش آسیب می‌رساند ولی اگر به تدریج نور ضعیفی را به او نشان دهیم و مرحله به مرحله نور بیشتر شود، امکان آشنایی فرد با روشنایی خورشید فراهم می‌شود. ضمن آن که سلامت چشمانش را نیز حفظ نموده ایم. ۹- تربیت بدنی: فعالیت‌های ورزشی علاوه بر این که موجب پرورش جسم و صحت بدن می‌شود، روح را نیز پاکیزه می‌کند و موجب پالایش روان می‌گردد. توسعه‌ی تربیت بدنی در مدارس به ویژه در دوران بلوغ، اهمیتی بیش از آن دارد که از ظاهر هر مسئله برداشت می‌شود. زیرا فعالیت‌های ورزشی، دریچه‌هایی برای خروج فشارهای ناشی از تراکم انرژی نوجوان محسوب می‌شود. اگر به شکل مطلوب و از طریق ورزش‌های متناسب با سن و جنس، انرژی به جریان افتد، دل و اندیشه و بدن او را مشغول نموده ایم و اگر امکان این گونه فعالیت‌های سالم

فراهم نشود، انرژیهای متراکم، سر بر می آورند و از هرطریقی خود را به جریان می اندازند و آنگاه یکی از این انحرافات به شکل دوستیهای افراطی که بعداً رنگ جنسی نیز پیدا می کند، متجلی خواهد شد. نوجوانان دلی رقیقت دارند. (۵) چون پیر شدی ز کودکی دست بدار بازی و ظرافت به جوانان بگذار طرب نوجوان ز پیر مجوی که دگر ناید آب رفته به جوی زرع را چون رسید وقت درو نخرامد چنان که سبزه ی نو (۶) توصیه های تربیتی در باب حیات عاطفی نوجوان انفعالات و احساسات، بخش اصلی شخصیت و حیات روحی نوجوان را تشکیل می دهد و شناخت و ویژگیهای آن، کلید اصلی حل مشکلات عاطفی این دوره می باشد. لکن برای اطمینان بیشتر از صحت برخوردها و شیوه های تربیتی به ذکر توصیه هایی چند مبادرت می ورزیم: ۱- با توجه به نیاز مبرم نوجوان به تأمل و تفکر و درونی شدن احساسات وی، لازم است که فرصتهای کافی برای این که پاره ای از ساعات با خود خلوت کند و به اندیشه فرو رود، در اختیار وی قرار گیرد و والدین و مربیان آگاهانه و یا ناآگاهانه خلوت مورد نیاز او را بر هم نزنند و با این عمل اعتماد او را نسبت به خود سلب ننمایند. ۲- اشاره نمودیم که عواطف نوجوان سرکش و نیازمند کنترل و نظارت بزرگترهاست، لکن باید ضمن اعمال نظارت صحیح و به موقع، از حد اعتدال خارج نشود و موقعیتی فراهم نگردد که سوءظنهای بی جا و بی مورد، اساس روابط صمیمانه ی والدین نوجوان را درهم ریزد و آن را آسیب پذیر سازد. اگر نظارت و کنترل به موقع، بجای، صحیح، توأم با صمیمیت و محبت صورت گیرد، می توان به آینده ی نوجوان امیدوار شد. در غیر این صورت باید نظاره گر شکافهای عمیقی بین والدین و نوجوان باشیم. یادآوری می شود تا زمانی که شواهدی قطعی و مسلم مبنی بر رفتار نامطلوب نوجوان در دست نداریم، نباید سوءظن به جای حسن ظن، بر مجموعه ی روابط متقابل حاکم شود. بلکه حسن ظن داشتن به نوجوان، او را در موقعیت رفتاری و ارتباطی بهتر و مطلوبتری قرار خواهد داد. ۳- در بجهوحه ی مبارزه با مشکلات، نوجوان به راحتی دلسرد و نومید می شود و دست از تلاش و فعالیت می کشد. گاهی این حالت تشدید می گردد و به نوعی قهقرای روحی می رسد که نوجوان احساس عجز و درماندگی عمیق می کند و احساس می نماید که زیر پایش خالی شده و در حال فرو ریختن است. والدین و اطرافیان نوجوان نباید به مجرد اظهار ضعف و ناتوانی نوجوان، به کمک او برخیزند و ابتکار عمل را به دست گیرند. بلکه باید فرصتهایی ایجاد کنند تا او خود، راه غلبه بر مشکلات را بیاموزد. ولی اگر حالت درماندگی و ناتوانی عمیقتر شد و به ناامیدی بیشتر انجامید، لازم است اطرافیان به کمک او برخیزند و وی را در این احساس تلخ تنها نگذارند و با مساعدت و راهنماییهای لازم او را ترغیب و تشویق به تلاش مجدد نموده و در این حالت منفی روحی، جنبه های مثبت شخصیت و عمل او را گوشزد و یادآوری نمایند. چه، تشویق به موقع و مؤثر، موج اندوه و یأس را از اندیشه و قلب او می زداید و نیرویی مضاعف و جدید در او می آفریند و وی را برای مقابله و مواجهه با مشکلات مهیا می سازد. ۴- همان گونه که روابط گرم و مستحکم عاطفی، فاصله ها را کم می کند و بر تفاهم و حسن سلوک می افزاید، روابط معیوب و غلط عاطفی نیز فاصله ها را عمیقتر و بیشتر می نماید و به انزوای نوجوان و دوری گزیدن از روابط انسانی می انجامد، چیزی که بهای سنگینی برای جبراننش باید پرداخت نمود. در این صورت نوجوان دچار سرخوردگی عاطفی شده و در انزوا و دورباطلی قرار می گیرد که با حرکتهای بعدی تاروپود بیشتری بر دست و پای خود و مشکلاتش می تند و در حلقه های پیچیده ای از بحران، قرار می گیرد. ۵- در پاره ای از موارد، نوجوان برای تجسم و تبلور رؤیاهای احساسهای نیرومند خود، به بیان پاره ای از مسایل می پردازد که از آنها به «میتومانی» یا دروغهای افسانه ای، یاد کردیم. اطرافیان نوجوان بهتر است در مواقع برخورد با این نوع دروغپردازیها، از هرگونه برچسب زدن و اطلاق کلماتی از قبیل دروغگویی، فریبکاری و غیره از ضربه زدن به احساسات او، خودداری نمایند و با این عمل نوجوان را در اتخاذ این شیوه تشویق نمایند. بهتر است با درایت و تدبیر به گونه ای غیرمستقیم، سخنان او را با دقت حاکی از اطمینان گوش نموده و محتاطانه سؤالی برای اطمینان بیشتر از صحت گفته هایش مطرح کنیم. سؤالی از این قبیل که: - آیا مطمئنی که این مطلب، همینطور است که می گویی؟ - آیا یقین داری که چیزی در بیان مطلب، اشتباه نشده است؟ - من حرفهایت را باور دارم، ولی فکر می کنم باید دقت بیشتری داشته

باشی. - فکر می‌کنم اگر یک بار دیگر افکار را مرتب و منظم کنی، گفتارت دقیقتر و صحیح تر خواهد بود. ۶- از آنجایی که هیجانهای عاطفی، عموماً در دوره ی نوجوانی، همواره میان «خواهشها و قطبهای متضاد» در نوسانند، لذا تظاهرات عاطفی آنان از قبیل: غم و شادی، خشم و محبت، انزوا و تعاون و غیره دائماً از حالتی به حالت مقابل منتقل می‌شود. از این رو مریبان و والدین نباید این گونه تظاهرات رفتاری را به مثابه ی رفتاری پایدار و همیشگی تلقی نمایند و برچسب خاصی، حاصل از آن رفتار و بنا بر تشخیص خود، بر شخصیت نوجوان بزنند. ۷- قبلاً اشاره نمودیم که نوجوان به اقتضای عدم تعادل عاطفی، قادر به کنترل هیجان و احساسات خود از قبیل شادی و یا خشم نیست و در این شرایط ممکن است فریاد هم بزند و سر و صدای زیاد راه بیندازد. مریبان و خانواده های دورانندیش و با تدبیر در این گونه مواقع، به جای هر نوع عکس العمل تند و شدید که وضعیت را به مراتب بدتر کند با ملایمت و خویشتن داری برخورد می‌کنند. چرا که حداقل سکوت آنها در چنین موقعیتی، نوجوان را جری تر و آشفته تر نخواهد کرد. اطرافیان نوجوان، توجه دارند که نباید وضعی پیش آورند که نوجوان به دفعات متعدد رو در روی آنها بایستد و جبهه گیری کند که این به معنای از دست دادن ابتکار عمل تربیتی و کشیده شدن به برخوردهای عکس العملی ناموجه است و متأسفانه باید اذعان کرد که این نوع رفتارها، ضعیفترین برخوردها از حیث تربیت محسوب می‌شود. به طور طبیعی، دیدگاه و جهت گیریهای نوجوانان و اطرافیان آنها با یکدیگر متفاوت است و نتیجه ی آن هم حالت رویارویی طرفین و موضعگیری متقابل است. لکن باید توجه داشت که ادامه این وضعیت به نفع هیچ کس نخواهد بود و جملگی آسیب می‌بینند. در واقع انسان عاقل به فرموده ی امیرالمؤمنین علی (ع)، کسی است که وقتی بین دو شر و ضرر قرار گرفت و مجبور به انتخاب یکی از آن دو گردید، چیزی را برگزیند که زیان آن کمتر باشد. (۷) در حال تقابل با نوجوان قرار گرفتن یک نوع ضرر است و خویشتن داری و سکوت و ملایمت نیز، در توان همه کس نیست، بلکه باید انرژی روانی صرف نمود. ولی مصلحت تربیتی اقتضا دارد که انسان راههای دیگری را اتخاذ کند تا کار به جایی نرسد که مداوماً و مکرراً در مقابل نوجوان بایستد و با عمل نسنجیده ی خود فاصله ها را بیشتر و محبتها و همدلیها را کمتر کند. پی نوشت ها: ۱- دختری ۱۷ساله، دانش آموز سوم دبیرستان. ۲- قسمتی از نامه ی یک دختر جوان. ۳- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، شهید ثانی. ۴- غررالحکم و دررالحکم، ترجمه ی محمدعلی انصاری. ۵- رسول اکرم (ص) الحدیث؛ جلد ۱، ص ۳۴۹. ۶- کلیات سعدی. ۷- اصول کافی؛ کتاب العقل و الجهل.

نیاز به یک دوست

سلام. دختری ۲۴ ساله هستم که گاهی با اراده و نیرومند قادر به انجام هر کاری هستم و گاهی قادر به انجام کوچکترین کاری نیستم و حوصله انجام هیچ کاری ندارم. در آن لحظات دلم می‌خواهد فریاد بکشم و از دست خودم به عالم و آدم شکایت کنم. با این که دوران نوجوانی را پشت سر گذاشته‌ام، در همه مواقع زندگی نیاز به یک دوست را احساس می‌کنم، به کسی که، در کنار یاد آوری همه عیوبم، دوستم داشته باشد. هر کسی که اندکی مهر ائمه (علیه السلام) را در دل داشته باشد به همان اندازه دوستش دارم و در دوست داشتن دیگران برایم فقط ایمان ملاک است. اما خود از نظر روحی در حال تعادل نیستم. فکر می‌کنم یعنی فکر نمی‌کنم بلکه بخشی از اخلاقم شده که به تایید دیگران نیاز دارم. هیچگاه از درگاه حق تعالی ناامید نشده‌ام؛ اما دوست دارم فقط به او متکی باشم نه به بنده او. از احساس نیاز به دیگران خوشم نمی‌آید. از این که دائماً کسی باشد که با تمام وجود دوستش داشته باشم، بدم می‌آید؛ چرا باید ساعت‌ها شدیداً منتظر زنگ و تماس دوستی باشم که خیلی دوستش دارم؟ می‌خواهم منتظر باشم اما در حد معمولی. نمی‌خواهم تک تک کلماتی که در جملاتش به کار می‌برد، برایم مهم باشد. دوست دارم هیچ‌گاه - تا هنگامی که خدا را دارم - احساس تنهایی نکنم. گاهی دلم می‌خواهد خدا مثل خودمان بود کنارش می‌نشستم برایش حرف می‌زدم، گریه می‌کردم و..... دلم می‌خواهد به جای تمام این محبوبها در دلم فقط خدا قرار گیرد؛ و دیگران رانیز فقط دوست بدارم. م- ح/ح

پاسخ: قبل از پرداختن به پاسخ، از مکاتبه شما که زمینه ارائه خدمت به بهترین‌های روزگار گردیده است، تقدیر و تشکر می‌کنیم. امیدواریم در انجام این خطیر موفق باشیم. با توجه به آنچه در نامه نگاشته‌اید، عنایت به مسائل زیر ضرورت دارد: الف) انگیزه انسان برای انجام کارهای مختلف همیشه یکسان نیست. این یک پدیده طبیعی است. وظیفه ما افزودن بر سطح انگیزه است که موجب می‌گردد میزان روی آوردن به کارهای خیر و خوب و تعقیب اهداف از کسالت و بی‌هدف بودن بیش‌تر باشد. پس باید در جهت افزایش انگیزه خود بکوشیم. در این مسیر، راه کارهای زیر سودمند می‌نماید: ۱- برای هر کاری هدفی را در نظر بگیرید. ۲- آن هدف را برای خود بزرگ و مهم معرفی کنید. ۳. پیامدهای مثبت و خوب آن عمل را برای خود برشمارید و با خود چند بار تکرار کنید. از طرف دیگر پیامدهای منفی آن عمل را که در صورت نرسیدن به هدف مورد نظر متوجه شما می‌شود، برشمارید تا سختی و زشتی آن شما را به انجام عمل وادارد. ۴. به تمام انگیزه‌های مخالف و ذهتیت‌هایی که شما را از انجام آن عمل باز می‌دارد، پشت‌پا کنید، حتی به آن‌ها اجازه ندهید به ذهنتان وارد شوند و ناخواسته رفتار شما را تحت تأثیر قرار دهند. ۵. برنامه روزانه خود را با کارهای ریز و کوچک و سبک و آسان منظم کنید. هرگز با کارهای مشکل و فراتراز توان و وقت خود برنامه‌تان را مرتب نکنید. ۶. با چند بار بی‌نظمی و اجرا نکردن، برنامه را برای همیشه رها نکنید و یک یا دو مورد شکست و عملی نشدن رابه تمام برنامه توسعه ندهید. وجود دو تکه ابر نباید تمام برنامه و زندگی شما را ابری سازد. ۷. توجه داشته باشید که همیشه تمام انسانها نمی‌توانند به همه برنامه‌های خود جامه عمل بپوشانند. عمل کردن به اکثر مواد یک برنامه مهم است. یک یا دو مورد اجرا نشدن به معنای شکست تمام برنامه‌ها نیست. ۸. همیشه علت عدم اجرای یک برنامه نبود انگیزه نیست. گاه انگیزه وجود دارد؛ ولی توان فیزیکی، وقت، یا دیگر شرایط لازم فراهم نیست. پس باید بین امور تفاوت قائل شد و هر یک را از طریق مربوط به خود درمان کرد. انگیزه درمان همه ناتوانی‌ها شکست‌ها نیست. ب) دوستی در زندگی انسان لازم است و هدف از آن باید رسیدن به حق باشد؛ یعنی باید دوستی برگزینید که یاد خدا را در دل‌تان زنده نگه دارد، ملاقات خدا را به یادتان آورد، سخنش علم و معرفت‌تان را فزونی بخشد و کردارش شما را به کارهای نیک ترغیب کند. اگر چنین دوستی دارید، معاشرت با او حد و اندازه ندارد، همان‌گونه که عشق و ارتباط با خداوند حد و مرز نمی‌شناسد. اگر از این دوستی‌ها برخوردار نیستید، صرفاً به میزان ضرورت با افراد ارتباط داشته باشید و هرگز در صدد توسعه ارتباط نباشید. البته توجه دارید که این نوع دوستی امری الهی است نه دنیوی و معمولی. روابط دوستانه‌ای که مانع ارتباط با خدا و انجام تکالیف الهی می‌شود، در هر سطحی باشد، مردود است؛ و باید در حد امکان و ضرورت محدودش کنید. روان‌شناسان نیز بر این باورند که یکی از نیازهای اساسی انسان از بدو تولد تا پایان عمر نیاز به محبت ورزیدن به دیگران و مورد محبت دیگران واقع شدن است. البته این نیاز روانی انسان در طی مراحل رشد شکل‌های مختلف می‌یابد و باید هر دوره‌ای به گونه‌ای متناسب تأمین و ارضا گردد؛ در نوزادی، از طریق والدین و به خصوص مادر، در کودکی، علاوه بر خانواده، به وسیله گروه همبازی؛ در نوجوانی، از طریق گروه همسالان؛ در دوران جوانی، با ازدواج و پیدا کردن شریک زندگی و در میان سالی، به شکل خاص دیگر. در محیط خوابگاه و دانشگاه نیز می‌توان با رعایت ملاک‌های یاد شده و دقت در انتخاب دوست صمیمی به این نیاز پاسخ داد. البته در انتخاب دوست صمیمی باید معیارهای اخلاقی و دینی و حدود عرفی و شرعی مورد توجه قرار گیرد. ج) خداوند همیشه در کنار ما است. مشکل آن است که ما با او نیستیم. خدا بهترین، مهربان‌ترین و قدیمی‌ترین دوست ما است. افسوس که ما این دوستی و محبت را کم‌تر احساس می‌کنیم. نیکی یک انسان ما را متوجه خوبی‌های او می‌سازد، امّا این همه نعمت الهی را درک نمی‌کنیم یا آن را محصول تلاش خود می‌دانیم نه عطای دوست قدیمی و مهربان یعنی خداوند. پس باید جایگاه خداوند را در زندگی خود مجدداً تعریف کنیم و بر اساس همان تعریف، با وی ارتباط برقرار سازیم. اگر این‌گونه بیندیشید، دیگر احترام نهادن یا اهانت کردن شما و دیگران معنای ویژه می‌یابد و وظیفه شما در برابر تمام انسان‌ها معین می‌گردد؛ و دیگر نمی‌هراسید و نگران نمی‌شوید؛ چون قرار است بنده او باشید، به بندگی خود بیندیشید و راه و رسم بندگی را بیاموزید و عمل کنید نه آن‌چه

رضایت دیگران را فراهم می‌آورد.

دختران و ارتباط با جنس مخالف

در این مقاله به بررسی وظیفه‌ی دختران در ارتباط با جنس مخالف می‌پردازیم. البته این رهنمودها کلی بوده و پسرها هم می‌توانند از آن استفاده کنند. اما روی صحبت ما بیشتر با دخترانی است که در آینده باید مادرانی موفق و پاکدامن باشند تا فرزندان پاک و سالم تربیت کنند: اگر صمیمیت، رفاقت، محبت و مهرورزی... بنیاد ارتباط با جنس مخالف باشد، این رابطه آسیب‌پذیر و چراگاه شیطان است. پس دختر در ارتباط با جنس مخالف باید متکبرانه برخورد کند تا از آفت‌های ارتباط که هر لحظه ممکن است خرمن عفت و پاکی‌اش را به خطر اندازد، مصون بماند. ضمن تأکید مجدد بر حفظ حرمت انسانی، شما دختران عزیز را به رعایت مقررات دینی و اخلاقی در ارتباط‌ها، به ویژه رابطه با جنس مخالف، توصیه می‌کنیم. مبدا با نگاهی آلوده و کلامی خلاف موازین شرعی، سرمایه انسانی و عفاف و حیا و کرامت انسانی خود را به خطر اندازید. اصل رابطه دختر و پسر ممنوع نشده است بلکه اسلام آن را روش مند و نظام مند کرده است زیرا اگر این نیاز نیز مانند سایر نیازهای جسمی و روانی، بخواهد به طور کامل ارضا شود و انسان را دچار مشکلی نکند باید تحت ضابطه، نظم و شرایط خاص خود باشد. منکر این نیستیم که یکی از نیازهای طبیعی انسان وقتی که به سن نوجوانی و بلوغ می‌رسد، رابطه با جنس مخالف است. اصل وجود این نیاز و احساس طبیعی، در همه انسان‌ها نهاد شده تا پسر و دختر انگیزه‌ی لازم را برای تشکیل زندگی مشترک داشته باشند. شدت این انگیزه به حدی است که آنها را از خانواده خود جدا می‌کند و آماده می‌کند تا با وجود همه مشکلات و سختی‌ها، در کنار هم باشند و سبب آرامش روح و روان یکدیگر گردند. بنابر این اصل رابطه دختر و پسر ممنوع نشده است بلکه اسلام آن را روش مند و نظام مند کرده است زیرا اگر این نیاز نیز مانند سایر نیازهای جسمی و روانی، بخواهد به طور کامل ارضا شود و انسان را دچار مشکلی نکند باید تحت ضابطه، نظم و شرایط خاص خود باشد. افراط و تفریط و پیروی نکردن از توصیه‌های عقل و شرع، نه تنها در مسیر ارضای این نیاز، مانع ایجاد می‌کند، بلکه تأثیرات مخربی در دیگر زمینه‌های زندگی انسان ایجاد می‌کند. اگر می‌پرسید چرا در وجود ما گزینه و نیازی قرار داده شده است که آنقدر باید مهار شود؟ و در صورت عدم مهار در دسر ساز است؟ در جوابتان باید بگوئیم: - خیلی چیزها در ما گذاشته شده است ولی ما باید به کمک عقل استفاده صحیح و معتدل از آن را یاد بگیریم مثلاً در ما قوه خشم و غضب هم گذاشته شده است آیا باید با همه با عصبانیت و خشم رفتار کنیم یا باید عصبانیت و خشم را در جای خود استفاده کنیم. یا ما قدرت بر دیدن و شنیدن داریم آیا مجازیم هر چه را هر چند به ضرر ما باشد ببینیم و بشنویم؟ قطعاً پاسخ شما منفی خواهد بود. در مورد ارتباط دختر و پسر نیز این احساس در ما وجود دارد و غیر قابل انکار است ولی باید با این احساس عاقلانه برخورد کرد و از افراط و تفریط اجتناب کرد. اسلام به طور کلی (خواه دختر و پسر یا زن و مرد نامحرم) به منظور حفظ عفت عمومی، هر گونه ارتباط نامشروع با نامحرم اعم از سخن گفتن از روی هوس، نگاه ناپاک، تماس بدنی و... را ممنوع کرده و بر حیا و عفت و پاکدامنی تأکید نموده است. پیامبر اکرم (ص) سخن گفتن زن با مرد نامحرم را نهی کردند و فرمودند: "هر مردی که با زن نامحرمی دست دهد، دچار غضب الهی شود و هر کس با زن نامحرمی همراه شود و در جای خلوتی قرار گیرد، در زنجیری از آتش قرار خواهد گرفت." (۱) اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های جنسی در محیط و درون خانواده شکل گیرد و از این طریق آرامش روحی و روانی و پیوند‌های عاطفی نیز برقرار بماند و با طرح آن در محیط جامعه به پیوند خانواده و اجتماع نیز آسیب وارد نشود. واقعیت آن است که گزینه جنسی از نیرومندترین غرایز در وجود انسان است که بسیاری از رفتارهای انسانی را شکل می‌دهد و به گونه‌های مختلف ظهور و بروز دارد. اسلام که یک مکتب جامع است و می‌خواهد مردان و زنان مسلمان از لحاظ روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند تا بتوانند قله‌های رفیع انسانی و رستگاری را فتح نمایند و از طرف دیگر به نیازهای غریزی و فطری

خود نیز دست یابند، بنابراین با حساسیت ویژه اما واقع بینانه و لحاظ کردن طبیعت و امیال درونی و خواسته های نفسانی انسان، قوانین و احکامی را جهت حفظ و نگهداری فرد و جامعه در خط اعتدال و میانه روی وضع کرده است. از جمله آن احکام، چگونگی ارتباط با جنس مخالف است. این ها همه به سبب این است که اسلام از جانب کسی برای هدایت انسان ها فرستاده شده است که خالق فطرت و غریزه با تمامی استعدادهای بهینه و ذخیره شده در انسان است. بنابراین هر عاملی که موجب تحریک انگیزه های شهوانی در انسان شود و موجب اختلال در نظم اجتماعی و بنیان خانواده شود و به آرامش روحی، روانی و عفت عمومی، صدمه وارد کند، مورد تأیید اسلام نیست. اسلام می خواهد انواع لذت های جنسی در محیط و درون خانواده شکل گیرد و از این طریق آرامش روحی و روانی و پیوند های عاطفی نیز برقرار بماند و با طرح آن در محیط جامعه به پیوند خانواده و اجتماع نیز آسیب وارد نشود. در بحث ارتباط با جنس مخالف آسیب پذیری دختران و زنان بیشتر است. آنان حساس تر بوده و ممکن است تحت تاثیر احساسات خود قرار گیرند. به همین دلیل خانواده ها بخصوص در ایران بر روابط و رفت و آمدهای دختران خود حساس تر هستند. خود دختران نیز باید مراقبت بیشتری از گوهر وجودی خویش کرده و جسم و روح خود را سالم و پاکیزه نگاه دارند زیرا همانگونه که گفتیم آینده ی جامعه در گرو پاکدامنی مادران آن جامعه است. پی نوشت: ۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲. منابع: کانون گفتمان قرآن کتاب تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران تنظیم برای تبیان: داوودی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه

www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر (تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - : هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

